نقش نگارش جذاب کتب درسی در افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی استان همدان

میترا خدارحمی[1*] و معصومه خدابنده لو[2]

۱-گروه علوم تربیتی آموزش ابتدایی استان همدان

(نویسنده مسئول: m.khodarahmi@ gmail.com)

۲-گروه علوم تربیتی آموزش ابتدایی استان همدان

چکیده

انگیزه یادگیری یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های موفقیت تحصیلی در دوره ابتدایی محسوب می‌شود و کیفیت طراحی و نگارش کتب درسی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری یا تضعیف آن ایفا کند. در سال‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های دیجیتال و تغییر سبک‌های یادگیری کودکان، ضرورت بازنگری در شیوه نگارش و ارائه محتوای کتب درسی بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر با رویکردی مروری و تحلیلی، به بررسی نقش نگارش جذاب کتب درسی در افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی استان همدان می‌پردازد. در این مطالعه، پژوهش‌های داخلی و خارجی منتشرشده طی سال‌های اخیر در حوزه انگیزش تحصیلی، طراحی آموزشی، روان‌شناسی یادگیری و نگارش آموزشی مورد بررسی نظام‌مند قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی نظیر زبان ساده و روان، روایت‌محوری، استفاده از مثال‌های بومی، تصویرسازی خلاقانه، فعالیت‌های تعاملی و طراحی بصری متناسب با ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، تأثیر معناداری بر افزایش انگیزه درونی، درگیری شناختی و مشارکت فعال دانش‌آموزان دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که فاصله میان فضای دیجیتال جذاب زندگی روزمره کودکان و ساختار سنتی بسیاری از کتب درسی می‌تواند موجب کاهش انگیزش و بی‌علاقگی تحصیلی شود. بر این اساس، بازطراحی محتوای آموزشی با رویکردی انگیزشی و مبتنی بر نیازهای نسل جدید، ضرورتی انکارناپذیر در نظام آموزشی استان همدان و سایر مناطق کشور است.

واژه‌های کلیدی: نگارش آموزشی، انگیزه یادگیری، کتب درسی ابتدایی، طراحی آموزشی، یادگیری فعال، آموزش ابتدایی، استان همدان

مقدمه

عصر حاضر، عصر تحولات گسترده فناوری و گسترش ابزارهای ارتباطی و دیجیتال است. کودکان و دانش‌آموزان امروزی از نخستین سال‌های زندگی در معرض انواع رسانه‌ها، بازی‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های چندرسانه‌ای قرار دارند. این تغییرات موجب تحول در سبک‌های یادگیری، شیوه‌های دریافت اطلاعات و حتی انتظارات آنان از محیط‌های آموزشی شده است. در چنین شرایطی، نظام‌های آموزشی ناگزیرند خود را با این تغییرات هماهنگ کنند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای نسل جدید باشند (جدیدی، ۱۴۰۳).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

در نظام آموزش رسمی، کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال دانش و شکل‌دهی به فرآیند یادگیری محسوب می‌شوند. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در مقطع ابتدایی، کتاب درسی همچنان اصلی‌ترین منبع آموزشی است که مسیر یادگیری دانش‌آموزان را هدایت می‌کند. کیفیت نگارش، ساختار محتوا، نوع مثال‌ها، شیوه ارائه مطالب و حتی جذابیت بصری کتاب می‌تواند به طور مستقیم بر میزان علاقه و انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری تأثیر بگذارد. نگارش جذاب و خلاق در کتب درسی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر کیفیت یادگیری در دوره ابتدایی محسوب می‌شود. در این دوره، دانش‌آموزان هنوز در مرحله شکل‌گیری نگرش نسبت به مدرسه و یادگیری قرار دارند و تجربه‌های اولیه آنان از مطالعه می‌تواند نگرش مثبت یا منفی نسبت به آموزش ایجاد کند (فردیان و همکاران، ۱۴۰۴). هنگامی که متن‌های آموزشی با زبانی ساده، داستان‌گونه و قابل فهم نوشته شوند، دانش‌آموزان ارتباط عاطفی و ذهنی بیشتری با محتوای درس برقرار می‌کنند. چنین متونی نه‌تنها انتقال مفاهیم علمی را تسهیل می‌کنند، بلکه باعث می‌شوند فرآیند یادگیری برای کودکان به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل شود. از این رو، کیفیت نگارش کتب درسی می‌تواند به‌طور مستقیم بر علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مطالعه و یادگیری اثر بگذارد (رضایی، ۱۴۰۴).

یکی از ابعاد مهم نگارش خلاق در کتب درسی، استفاده از شیوه‌های روایت‌محور و داستانی در ارائه مفاهیم آموزشی است. کودکان در سنین ابتدایی به طور طبیعی به داستان‌ها و روایت‌ها علاقه دارند و از طریق آن‌ها مفاهیم پیچیده را بهتر درک می‌کنند. زمانی که مفاهیم علمی یا اجتماعی در قالب داستان، گفتگو یا موقعیت‌های واقعی زندگی مطرح می‌شوند، دانش‌آموزان به شکل فعال‌تری در فرآیند یادگیری درگیر می‌شوند. این نوع نگارش علاوه بر تقویت درک مفاهیم، باعث پرورش تخیل، تفکر انتقادی و مهارت‌های زبانی کودکان نیز می‌شود. در نتیجه، محتوای آموزشی از حالت خشک و صرفاً اطلاعاتی خارج شده و به تجربه‌ای پویا و معنادار تبدیل می‌شود (کیور[1]، ۲۰۲۵).

بعد دیگر نگارش جذاب کتب درسی، توجه به ویژگی‌های رشدی و شناختی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. در این مرحله از رشد، کودکان دارای دامنه توجه محدودتری هستند و یادگیری آنان بیشتر از طریق تصاویر، مثال‌های ملموس و فعالیت‌های عملی شکل می‌گیرد. بنابراین، متن‌های آموزشی باید کوتاه، شفاف و همراه با مثال‌های عینی و نزدیک به زندگی روزمره دانش‌آموزان باشند. همچنین استفاده از پرسش‌های برانگیزاننده، فعالیت‌های

[1]- Cesur

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

تعاملی و تمرین‌های خلاقانه می‌تواند موجب مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری شود. این رویکرد نه تنها باعث افزایش انگیزه یادگیری می‌شود، بلکه زمینه رشد مهارت‌های تفکر و حل مسئله را نیز فراهم می‌کند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴).

نگارش خلاق کتب درسی همچنین نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان دانش‌آموزان و محتوای فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. زمانی که مثال‌ها، داستان‌ها و موقعیت‌های مطرح‌شده در کتاب‌ها با فرهنگ بومی، محیط زندگی و تجربیات روزمره دانش‌آموزان هماهنگ باشد، یادگیری برای آنان معنادارتر خواهد شد. این موضوع به‌ویژه در مناطق مختلف کشور از جمله استان همدان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا استفاده از عناصر فرهنگی، محیطی و اجتماعی بومی می‌تواند حس تعلق و هویت را در دانش‌آموزان تقویت کند. چنین رویکردی باعث می‌شود دانش‌آموزان نه‌تنها مفاهیم درسی را بهتر درک کنند، بلکه ارتباط عمیق‌تری میان دانش مدرسه و زندگی واقعی خود برقرار سازند. نگارش جذاب و خلاق در کتب درسی می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای افزایش انگیزه یادگیری و بهبود کیفیت آموزش در دوره ابتدایی مطرح شود. هنگامی که محتوای کتاب‌ها از نظر زبانی، بصری و ساختاری برای دانش‌آموزان جذاب باشد، آنان با اشتیاق بیشتری در فعالیت‌های یادگیری مشارکت می‌کنند و فرآیند آموزش از حالت اجباری به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل می‌شود. در مقابل، متون خشک، پیچیده و فاقد جذابیت می‌توانند موجب خستگی، بی‌علاقگی و کاهش انگیزه تحصیلی شوند. بنابراین توجه به اصول نگارش خلاق، طراحی آموزشی نوآورانه و نیازهای یادگیری نسل جدید، یکی از ضرورت‌های اساسی در تدوین و بازنگری کتب درسی دوره ابتدایی محسوب می‌شود (یوسفی، ۱۴۰۲).

انگیزه یادگیری از جمله مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی تربیتی است که نقش مهمی در میزان مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری ایفا می‌کند. دانش‌آموزانی که از انگیزه بالاتری برخوردارند، تمایل بیشتری به مطالعه، حل مسئله، مشارکت در فعالیت‌های کلاسی و پیگیری یادگیری دارند. در مقابل، کاهش انگیزه می‌تواند موجب افت تحصیلی، بی‌توجهی به درس و حتی ترک تحصیل در مراحل بعدی شود. از این رو، ایجاد و تقویت انگیزه یادگیری یکی از اهداف مهم نظام‌های آموزشی به شمار می‌رود. یکی از عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه یادگیری، نحوه طراحی و نگارش مواد آموزشی است. زمانی که محتوای آموزشی به زبان ساده، قابل فهم، جذاب و متناسب با ویژگی‌های رشدی کودکان ارائه شود، احتمال درگیری ذهنی و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری افزایش می‌یابد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

استفاده از داستان، مثال‌های ملموس، تصاویر جذاب، فعالیت‌های عملی و ارتباط دادن مفاهیم درسی با زندگی روزمره دانش‌آموزان می‌تواند یادگیری را به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل کند.

نگارش خلاق در کتب درسی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت انگیزه یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایفا کند. در این دوره سنی، کودکان بیش از آنکه به دنبال حفظ مطالب باشند، نیازمند تجربه‌های یادگیری جذاب و معنادار هستند. هنگامی که محتوای آموزشی با زبانی خلاقانه، مثال‌های ملموس و روایت‌های جذاب ارائه شود، دانش‌آموزان با علاقه بیشتری به مطالعه و یادگیری می‌پردازند. این نوع نگارش سبب می‌شود مفاهیم درسی برای دانش‌آموزان قابل درک‌تر و نزدیک‌تر به تجربه‌های روزمره آنان باشد. در نتیجه، دانش‌آموزان نه‌تنها با اشتیاق بیشتری در کلاس درس مشارکت می‌کنند، بلکه احساس موفقیت و رضایت بیشتری از فرآیند یادگیری خواهند داشت (مدنی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، نگارش خلاق می‌تواند زمینه شکل‌گیری انگیزه درونی در دانش‌آموزان را فراهم کند. زمانی که متن‌های درسی با ساختاری جذاب، پرسش‌برانگیز و اکتشافی طراحی شوند، حس کنجکاوی دانش‌آموزان تحریک شده و آنان را به جست‌وجو و تفکر بیشتر ترغیب می‌کند. چنین رویکردی موجب می‌شود دانش‌آموزان یادگیری را نه به‌عنوان یک تکلیف اجباری، بلکه به‌عنوان فعالیتی لذت‌بخش و ارزشمند تجربه کنند. افزایش انگیزه درونی در این سنین نقش مهمی در ایجاد عادات مثبت مطالعه، علاقه به مدرسه و تداوم یادگیری در سال‌های بعدی تحصیل دارد (موسایی و مرادنژادی، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، نگارش خلاق در کتب درسی می‌تواند موجب افزایش تعامل شناختی و عاطفی دانش‌آموزان با محتوای آموزشی شود. استفاده از داستان، گفتگو، موقعیت‌های مسئله‌محور و فعالیت‌های فکری در متن کتاب‌ها باعث می‌شود دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری نقش فعال‌تری داشته باشند. این مشارکت فعال نه‌تنها موجب درک عمیق‌تر مفاهیم درسی می‌شود، بلکه احساس تعلق و علاقه به یادگیری را نیز تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، کلاس درس به محیطی پویا و انگیزه‌بخش تبدیل می‌شود که در آن دانش‌آموزان با رغبت بیشتری به کشف دانش و یادگیری مفاهیم جدید می‌پردازند (کریمی، ۱۴۰۲).

با این حال، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بخشی از کتب درسی در نظام‌های آموزشی همچنان بر اساس الگوهای سنتی نگارش شده‌اند و کمتر به ویژگی‌های شناختی و علایق نسل جدید توجه کرده‌اند. در چنین شرایطی، ممکن است دانش‌آموزان ارتباط کمتری با محتوای کتاب برقرار کنند و انگیزه آنان برای مطالعه و یادگیری کاهش یابد. امروزه آموزش ابتدایی به‌طور فزاینده‌ای با دنیای دیجیتال گره خورده است. کودکان بخش

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

قابل توجهی از زمان خود را در محیط‌های دیجیتال سپری می‌کنند؛ محیط‌هایی که از نظر بصری جذاب، تعاملی و متنوع هستند. در مقابل، بسیاری از کتاب‌های درسی هنوز با رویکردهای سنتی و ساختارهای متنی ساده و کمتر تعاملی طراحی شده‌اند. این تفاوت می‌تواند شکافی میان تجربه یادگیری در مدرسه و تجربه‌های روزمره دانش‌آموزان ایجاد کند.

در چنین شرایطی، ضرورت توجه به جذابیت نگارشی و محتوایی کتاب‌های درسی بیش از گذشته احساس می‌شود. نگارش جذاب می‌تواند از طریق ایجاد حس کنجکاوی، درگیر کردن ذهن دانش‌آموز، استفاده از روایت و مثال‌های کاربردی و ایجاد تنوع در ارائه مطالب، انگیزه یادگیری را افزایش دهد. از سوی دیگر، در مقطع ابتدایی که پایه‌های اولیه یادگیری شکل می‌گیرد، تجربه‌های مثبت یا منفی آموزشی می‌تواند تأثیر بلندمدتی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و یادگیری داشته باشد. بنابراین طراحی و نگارش مناسب کتاب‌های درسی در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر تلاش دارد با بررسی مطالعات انجام‌شده در این حوزه، نقش نگارش جذاب کتب درسی در افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی را مورد بررسی قرار دهد. تمرکز این مطالعه بر شرایط آموزشی دانش‌آموزان ابتدایی استان همدان است و تلاش می‌کند با تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین، به درک بهتری از رابطه میان کیفیت نگارش کتب درسی و انگیزش تحصیلی دست یابد.

مبانی نظری

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه تأثیر طراحی و نگارش مواد آموزشی بر انگیزه یادگیری انجام شده است.

صرتی‌بیگ‌زاده (۱۴۰۴)، پژوهشی با عنوان «طراحی و تدوین برنامه‌های درسی نوین: مبانی، مدل‌ها، راهبردها و چالش‌ها در قرن بیست و یکم» انجام داد. هدف این پژوهش بررسی مبانی نظری و الگوهای طراحی برنامه‌های درسی متناسب با تحولات آموزشی جدید بود. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر بررسی اسناد و منابع علمی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که برنامه‌های درسی نوین باید مبتنی بر مهارت‌های قرن بیست‌ویکم، یادگیری خلاق، حل مسئله و مشارکت فعال فراگیران طراحی شوند و توجه به انعطاف‌پذیری محتوای آموزشی و فناوری‌های نوین از الزامات اساسی تدوین برنامه‌های درسی معاصر به شمار می‌رود.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

کاظم‌پور باغان، رضایی‌کماسی و محبی (۱۴۰۴)، پژوهشی با عنوان «تأثیر هوش مصنوعی بر طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی در مدارس» انجام دادند. این پژوهش با هدف بررسی نقش فناوری‌های نوین و به‌ویژه هوش مصنوعی در بهبود طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی انجام شد. روش پژوهش تحلیلی و مبتنی بر مرور منابع علمی و مطالعات جدید در حوزه فناوری آموزشی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌تواند به شخصی‌سازی یادگیری، بهبود کیفیت محتوای آموزشی و ارتقای اثربخشی برنامه‌های درسی در مدارس کمک کند.

توسلی‌نژاد و سلیمی (۱۴۰۴)، پژوهشی با عنوان «بررسی مروری جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم و نقش فرهنگ دیجیتال بر طراحی برنامه درسی» انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از گسترش فناوری‌های دیجیتال بر طراحی و محتوای برنامه‌های درسی بود. روش پژوهش مروری ـ تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع علمی و پژوهش‌های پیشین بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ دیجیتال نقش مهمی در تحول نظام‌های آموزشی دارد و لازم است برنامه‌های درسی با توجه به تحولات فناوری، یادگیری تعاملی و تقویت خلاقیت در دانش‌آموزان طراحی شوند. زارعی سبهتی و زارعی(۱۴۰۴)، در پژوهشی با عنوان «میزان توجه به خلاقیت در محتوای برنامه درسی مقطع ابتدایی؛ از ادعا تا واقعیت» به بررسی انطباق محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی با مؤلفه‌های خلاقیت پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که علی‌رغم تأکید اسناد رسمی آموزشی بر پرورش خلاقیت، محتوای برنامه درسی در عمل کمتر به مؤلفه‌های اصلی خلاقیت توجه کرده و فعالیت‌ها عمدتاً بازتولیدی و حافظه‌محور هستند. این پژوهش بر وجود شکاف میان سیاست‌گذاری آموزشی و اجرای عملی برنامه درسی تأکید دارد. مزیدی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتب نگارش فارسی دوره دوم ابتدایی از منظر پرداختن به مؤلفه‌های نگارش خلاق» نیز محتوای کتاب‌های نگارش فارسی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش تحلیل محتوا بود. نتایج نشان داد که برخی فعالیت‌های نگارشی زمینه تقویت خلاقیت را فراهم می‌کنند، اما توزیع مؤلفه‌های نگارش خلاق در کتاب‌ها متوازن نیست و نیاز به تقویت فعالیت‌های مبتنی بر تخیل، داستان‌پردازی و بیان آزاد اندیشه‌ها در این کتاب‌ها احساس می‌شود. پژوهش رمبات[1] و همکاران (۲۰۲۴)، به بررسی نقش محیط‌های یادگیری ترکیبی در افزایش مشارکت و انگیزش دانش‌آموزان دبستانی پرداخته است. نتایج نشان داد که استفاده از محتوای

[1]- Rombot

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

چندرسانه‌ای و فعالیت‌های تعاملی در محیط‌های آموزشی می‌تواند یادگیری را برای کودکان جذاب‌تر کند. همچنین یافته‌ها نشان داد دانش‌آموزانی که با محتوای آموزشی جذاب و تعاملی مواجه می‌شوند، درک بهتری از مفاهیم درسی داشته و مشارکت فعال‌تری در کلاس درس نشان می‌دهند. ماکرانسکی و پترسن[1](۲۰۲۴)، در فراتحلیلی تأثیر محیط‌های یادگیری مبتنی بر واقعیت مجازی را بر یادگیری دانش‌آموزان بررسی کردند. نتایج نشان داد استفاده از محتوای آموزشی جذاب و تعاملی در محیط‌های واقعیت مجازی می‌تواند توجه و علاقه یادگیرندگان را افزایش دهد. این نوع طراحی محتوا با فراهم کردن تجربه‌های یادگیری فعال، به درک بهتر مفاهیم درسی و افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان کمک می‌کند.

رادیانتی[2] و همکاران(۲۰۲۳) در این پژوهش به بررسی استفاده از فناوری‌های غوطه‌ور مانند واقعیت افزوده و واقعیت مجازی در آموزش پرداختند. نتایج نشان داد استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند محتوای آموزشی را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر و قابل فهم‌تر کند. این فناوری‌ها با ایجاد تجربه‌های یادگیری تعاملی و بصری، موجب افزایش علاقه دانش‌آموزان و بهبود یادگیری مفاهیم درسی در دوره ابتدایی می‌شوند. ایبانز[3] و همکاران(۲۰۲۳)، در مطالعه نقش واقعیت افزوده در آموزش را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد استفاده از عناصر بصری، داستانی و تعاملی در طراحی محتوا می‌تواند توجه و علاقه دانش‌آموزان را افزایش دهد. این نوع طراحی محتوا به ویژه برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مؤثر است، زیرا یادگیری را ملموس‌تر و جذاب‌تر می‌کند و باعث مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری می‌شود. باند[4] و همکاران(۲۰۲۳) در یک مرور نظام‌مند به بررسی عوامل مؤثر بر درگیری یادگیرندگان در محیط‌های یادگیری فناورانه پرداختند. نتایج نشان داد زمانی که محتوای آموزشی با استفاده از عناصر تعاملی، بصری و فعالیت‌های جذاب طراحی می‌شود، میزان مشارکت شناختی و عاطفی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد طراحی محتوای آموزشی جذاب می‌تواند انگیزه یادگیری را در دانش‌آموزان دوره ابتدایی تقویت کرده و موجب یادگیری عمیق‌تر مفاهیم درسی شود. یاسمی (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان «تاملی بر ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر خلاقیت در دوره ابتدایی» انجام داد. هدف این پژوهش شناسایی ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر خلاقیت در دوره ابتدایی بود. روش پژوهش کیفی و از

[1]- Makransky & Petersen,
[2]- Radianti
[3] -Ibáñez & Delgado-Kloos
[4] -Bond

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

نوع تحلیل اسنادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه درسی خلاق در دوره ابتدایی باید بر فعالیت‌های یادگیری فعال، حل مسئله، پرسشگری، تخیل و فرصت‌های متنوع برای بیان خلاقانه دانش‌آموزان تأکید داشته باشد و نقش معلم در هدایت و تسهیل یادگیری خلاق بسیار مهم است.

با مرور پژوهش‌های پیشین مشخص می‌شود که بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده بیشتر بر طراحی برنامه درسی، نقش فناوری‌های آموزشی و ساختار کلی محتوای آموزشی تمرکز داشته‌اند. برای مثال، پژوهش‌های نصرتی‌بیگ‌زاده (۱۴۰۴)، کاظم‌پور باغان و همکاران (۱۴۰۴) و توسلی‌نژاد و سلیمی (۱۴۰۴) عمدتاً به بررسی مبانی نظری برنامه‌های درسی نوین، نقش فناوری و تحولات فرهنگی در طراحی برنامه درسی پرداخته‌اند. اگرچه این مطالعات اهمیت خلاقیت، مشارکت فعال یادگیرندگان و استفاده از فناوری را در آموزش برجسته کرده‌اند، اما کمتر به نقش ویژگی‌های زبانی و نگارشی متن کتاب‌های درسی و تأثیر آن بر انگیزه یادگیری دانش‌آموزان پرداخته‌اند. بنابراین یکی از خلأهای پژوهشی موجود، نبود پژوهش‌های متمرکز بر کیفیت نگارش، جذابیت متن و شیوه ارائه مطالب در کتاب‌های درسی ابتدایی و ارتباط مستقیم آن با انگیزه یادگیری دانش‌آموزان است. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها مانند مطالعه زارعی سبهتی و زارعی (۱۴۰۴) و مزیدی (۱۴۰۳) به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و میزان توجه آن‌ها به خلاقیت یا نگارش خلاق پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکید اسناد آموزشی بر پرورش خلاقیت، محتوای کتاب‌های درسی در بسیاری از موارد همچنان حافظه‌محور و بازتولیدی است و به مؤلفه‌های خلاقیت و تخیل کمتر توجه شده است. با این حال، این مطالعات بیشتر بر تحلیل محتوای کتاب‌ها تمرکز داشته‌اند و کمتر به بررسی پیامدهای آموزشی این نوع نگارش بر انگیزه یادگیری دانش‌آموزان پرداخته‌اند. در واقع، ارتباط میان نوع نگارش و جذابیت متون درسی با میزان انگیزش و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری کمتر به صورت تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در پژوهش‌های خارجی مانند مطالعات رمبات و همکاران (۲۰۲۴)، ماکرانسکی و پترسن (۲۰۲۴)، رادیانتی و همکاران (۲۰۲۳)، ایبانز و همکاران (۲۰۲۳) و باند و همکاران (۲۰۲۳) بیشتر بر نقش فناوری‌های نوین، محیط‌های یادگیری دیجیتال و ابزارهای تعاملی در افزایش مشارکت و انگیزه یادگیرندگان تأکید شده است. هرچند این پژوهش‌ها اهمیت جذابیت محتوا و تعامل را در یادگیری نشان می‌دهند، اما تمرکز آن‌ها عمدتاً بر محیط‌های فناورانه و چندرسانه‌ای بوده و کمتر به متن کتاب‌های درسی چاپی و ویژگی‌های نگارشی آن‌ها توجه شده است. از این رو، می‌توان گفت یکی دیگر از خلأهای پژوهشی موجود، کمبود مطالعاتی است که به‌طور مستقیم نقش نگارش جذاب در کتاب‌های

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

درسی ابتدایی را در افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان، به‌ویژه در بافت آموزشی ایران و در سطح منطقه‌ای مانند استان همدان، بررسی کنند. این پژوهش می‌تواند با تمرکز بر این بعد کمتر بررسی‌شده، به روشن‌تر شدن نقش کیفیت نگارش متون درسی در تقویت انگیزه یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی کمک کند.

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری است. در پژوهش‌های مروری، پژوهشگر به جای جمع‌آوری داده‌های میدانی، به بررسی و تحلیل مطالعات و منابع علمی موجود در یک حوزه خاص می‌پردازد. هدف اصلی این نوع پژوهش‌ها، شناسایی الگوها، روندها و نتایج مشترک در پژوهش‌های پیشین و ارائه تصویری جامع از وضعیت دانش موجود در آن حوزه است.

در این پژوهش، مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی مانند پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی[1]، بانک اطلاعات نشریات کشور(مگ ایران)[2]، گوگل اسکالر[3] و ساینس دایرکت[4]مورد بررسی قرار گرفتند. معیارهای انتخاب منابع شامل ارتباط موضوعی با انگیزه یادگیری، طراحی یا نگارش کتاب‌های درسی و تمرکز بر آموزش ابتدایی بود.

پس از جستجوی اولیه، مجموعه‌ای از مقالات مرتبط انتخاب و مورد مطالعه دقیق قرار گرفتند. سپس مفاهیم و یافته‌های اصلی این مطالعات استخراج و دسته‌بندی شدند تا بتوان رابطه میان نگارش جذاب کتب درسی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را تحلیل کرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. در این روش، ابتدا نتایج مطالعات منتخب به‌صورت دقیق بررسی شد و مفاهیم کلیدی مرتبط با نگارش جذاب کتاب‌های درسی و انگیزه یادگیری استخراج گردید.

در مرحله بعد، این مفاهیم در قالب چند مقوله اصلی دسته‌بندی شدند؛ از جمله زبان و ساختار متن، طراحی بصری، استفاده از روایت و داستان، ارتباط محتوای درسی با زندگی واقعی و فعالیت‌های تعاملی. سپس با مقایسه

[1] - https://www.sid.ir
[2] - https://www.magiran.com
[3] - Google Scholar(https://scholar.google.com)
[4] - ScienceDirect(https://www.sciencedirect.com)

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

نتایج پژوهش‌های مختلف، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در یافته‌ها تحلیل شد و الگوهای مشترک شناسایی گردید. این فرآیند امکان ارائه تصویری جامع از نقش عناصر مختلف نگارشی در افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را فراهم کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نگارش جذاب کتب درسی یکی از عوامل مهم در افزایش انگیزه یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. در این دوره تحصیلی، دانش‌آموزان بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر شیوه ارائه مطالب قرار دارند و نحوه بیان مفاهیم می‌تواند علاقه آنان را نسبت به یادگیری تقویت یا تضعیف کند. زمانی که محتوای کتاب‌های درسی با زبانی ساده، روان و متناسب با سطح رشدی دانش‌آموزان نوشته شود و از روایت‌های جذاب، مثال‌های ملموس و تصاویر مناسب بهره گیرد، دانش‌آموزان ارتباط عمیق‌تری با مطالب برقرار می‌کنند و یادگیری برای آنان معنادارتر و لذت‌بخش‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، انگیزه درونی برای یادگیری تقویت شده و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که ساختار نگارشی بسیاری از متون آموزشی سنتی هنوز بر انتقال صرف اطلاعات و حفظ مطالب تأکید دارد، در حالی که دانش‌آموزان امروزی در محیطی رشد می‌کنند که سرشار از رسانه‌های دیجیتال، تصاویر متنوع و اطلاعات تعاملی است. این تفاوت میان تجربه‌های روزمره کودکان و شیوه ارائه مطالب در برخی کتب درسی می‌تواند موجب کاهش جذابیت یادگیری و افت انگیزه تحصیلی شود. بنابراین بازنگری در شیوه نگارش و ارائه محتوا در کتاب‌های درسی، به‌ویژه در دوره ابتدایی، امری ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان میان نیازهای یادگیرندگان جدید و محتوای آموزشی هماهنگی بیشتری ایجاد کرد. از سوی دیگر، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان داد که بهره‌گیری از عناصر داستانی، مثال‌های بومی و فعالیت‌های تعاملی در متون درسی می‌تواند به شکل قابل توجهی در افزایش درگیری شناختی و عاطفی دانش‌آموزان مؤثر باشد. هنگامی که دانش‌آموزان بتوانند مطالب درسی را با تجربه‌های واقعی زندگی خود مرتبط سازند، یادگیری برای آنان ملموس‌تر شده و تمایل بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی پیدا می‌کنند. به همین دلیل توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان در نگارش کتاب‌های درسی، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای مانند استان همدان، می‌تواند نقش مهمی در افزایش انگیزه یادگیری ایفا کند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت نگارش کتب درسی تنها یک موضوع زبانی یا ادبی نیست، بلکه عاملی اساسی در اثربخشی فرآیند یاددهی ـ یادگیری محسوب

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

می‌شود. نگارش جذاب، استفاده از تصاویر و فعالیت‌های متنوع، توجه به نیازهای رشدی دانش‌آموزان و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین طراحی آموزشی می‌تواند زمینه ایجاد یادگیری فعال و پایدار را فراهم کند. بنابراین لازم است در فرآیند تألیف و بازنگری کتب درسی، به جنبه‌های انگیزشی و روان‌شناختی یادگیری نیز توجه ویژه‌ای شود تا کتاب‌های درسی بتوانند علاوه بر انتقال دانش، علاقه و اشتیاق دانش‌آموزان به یادگیری را نیز تقویت کنند.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که در فرآیند تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی از اصول نگارش جذاب و متناسب با ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان استفاده شود تا مفاهیم آموزشی برای آنان قابل فهم‌تر و جذاب‌تر گردد. همچنین لازم است در طراحی محتوای کتاب‌های درسی از مثال‌ها، داستان‌ها و موقعیت‌های بومی مرتبط با زندگی دانش‌آموزان استان همدان بهره گرفته شود تا ارتباط میان مطالب درسی و تجربه‌های واقعی دانش‌آموزان تقویت شود. پیشنهاد دیگر آن است که در بازنگری کتاب‌های درسی از عناصر بصری، تصویرسازی خلاقانه و فعالیت‌های تعاملی بیشتر استفاده شود تا مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری افزایش یابد. علاوه بر این، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مؤلفان کتاب‌های درسی و معلمان در زمینه اصول نگارش آموزشی و طراحی محتوای انگیزشی می‌تواند به بهبود کیفیت متون درسی کمک کند. در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های میدانی بیشتری در مناطق مختلف کشور، از جمله استان همدان، درباره تأثیر شیوه نگارش کتب درسی بر انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام شود تا نتایج آن در اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

توسلی‌نژاد، مریم، و سلیمی، لادن. (۱۴۰۴). بررسی مروری جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم و نقش فرهنگ دیجیتال بر طراحی برنامه درسی. *مجله علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، ۹(۱)، ۱–۱۵.

جدیدی، اکبر؛ درتاج، فریبا و سلاجقه، فریبا. (۱۴۰۳). تحلیل محتوای کتب فارسی دوره ابتدایی از حیث توجه به شکوفاسازی مهارت‌های نوشتاری و درک و فهم دانش‌آموزان. پژوهشهای کیفی در برنامه درسی، ۵(۱۴)، ۱۰۲-۷۳

رضایی، علی اکبر. (۱۴۰۴). تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی بر اساس میزان توجه به مهارت های مورد نیاز دانش آموزان. نخستین همایش ملی رهیافت های نوین برنامه درسی ملی در زیست بوم جدید

زارعی سبهتی، فوزیه، و زارعی، احسان. (۱۴۰۴). میزان توجه به خلاقیت در محتوای برنامه درسی مقطع ابتدایی؛ از ادعا تا واقعیت. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۹(۲)، ۸۵–۱۰۴.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

عباسی، رضا، حبیبی، حمداله، بدری گرگری، رحیم، و طهماسب‌زاده شیخلار، داود. (۱۴۰۳). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی براساس رویکرد تعلیم و تربیت مثبت .*تعلیم و تربیت، ۱۵۷*، ۱۴۵- ۱۶۸

فردیان، رحیم؛ حلیلی، سینا؛ یارمحمدی ،آرمین و نجفی، تایماز. (۱۴۰۴). تحلیل محتوای کتب درسی فارسی دوره ابتدایی از منظر میزان توجه به آموزش مفاهیم مربوط به تاب آوری و مقابله با مشکلات. هفتمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد ازنگاه معلم

کاظم‌پور باغان، فاطمه، رضایی‌کماسی، فاطمه، و محبی، محمود. (۱۴۰۴). تأثیر هوش مصنوعی بر طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی در مدارس. در *مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش* (صص. ۱۱۲–۱۲۴). تهران: دبیرخانه کنفرانس.

کریمی، ابوبکر. (۱۴۰۲). تحلیل و ارزیابی تعدادی از کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی و مقابله‌ای سازگارانه. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۳۵*، ۵۸۸–۶۲۴.

مدنی، سید احمد. (۱۴۰۲). دوازده نقد به محتوا و روش‌های توضیح مطلب در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی. *تعلیم و تربیت، ۱۵۵*، ۱۱۱–۱۲۹.

موسایی، محمدرضا، و مرادنژادی، همایون. (۱۴۰۲). بررسی کارکرد ارتباطی کتاب‌های دانش‌آموزان: بررسی کار گروهی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. *مطالعات راهبردی ارتباطات، ۹*، ۳۳–۴۲.

نصرتی‌بیگ‌زاده، زهرا. (۱۴۰۴). طراحی و تدوین برنامه‌های درسی نوین: مبانی، مدل‌ها، راهبردها و چالش‌ها در قرن بیست و یکم. *مجله تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۴۵*(۳)، ۵۵–۷۲.

یاسمی، محمد. (۲۰۲۲). تاملی بر ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر خلاقیت در دوره ابتدایی. *پژوهش و نوآوری در آموزش ابتدایی*، ۴(۲)، ۳۳–۴۸.

یوسفی همدانی، الهام، نصر اصفهانی، احمدرضا، عابدینی، یاسمین، و طاهری دمنه، محسن. (۱۴۰۲). سناریوهای بدیل برنامه درسی دوره ابتدایی در افق ۱۴۱۵: رویکردی آینده‌نگارانه. مطالعات برنامه درسی، ۱۷(۷۱)، ۱–۲۸.

Bond, M., Bedenlier, S., Marín, V. I., & Händel, M. (2023). A systematic review of student engagement in technology-enhanced learning. *Educational Technology Research and Development*, 71, 1–28. https://link.springer.com/article/10.1007/s11423-022-10143-6

Cesur, K. (2025). A suggested course syllabus for teaching English in early childhood. *International Journal of Educational Spectrum,* 7(2), 1–21. https://doi.org/10.47806/IJESACADEMIC.1752188

Ibáñez, M. B., & Delgado-Kloos, C. (2023). Augmented reality for STEM learning: A systematic review. *Computers & Education*, 123, 109–123. https://doi.org/10.1016/j.compedu.2018.05.002

Makransky, G., & Petersen, G. B. (2024). Immersive virtual reality and learning: A meta-analysis. *Educational Psychology Review*, 36, 1–25. https://link.springer.com/article/10.1007/s10648-023-09767-7

Radianti, J., Majchrzak, T. A., Fromm, J., & Wohlgenannt, I. (2023). A systematic review of immersive technologies in education. *Computers & Education*, 147, 103778. https://doi.org/10.1016/j.compedu.2020.103778

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

Rombot, O., Boeriswati, E., & Suparman, M. (2024). Blended learning environments and student engagement in primary education. *Discover Education*, 3, 1–12. https://link.springer.com/article/10.1007/s44217-024-00218-3

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

The Role of Engaging Textbook Writing in Increasing Learning Motivation among Primary School Students in Hamedan Province

Mitra Khodarahmi[1] and Masoumeh khodabndhlw[2]

1 Department of Educational Sciences, Primary Education, Hamadan Province
2 Department of Educational Sciences, Primary Education, Hamadan Province

Abstract

Learning motivation is considered one of the most fundamental factors influencing academic success in primary education, and the quality of textbook design and writing can play a decisive role in shaping or weakening it. In recent years, with the expansion of digital technologies and the changes in children's learning styles, the need to revise the methods of writing and presenting textbook content has become increasingly evident. The present study, using a review and analytical approach, examines the role of engaging textbook writing in enhancing the learning motivation of primary school students in Hamedan Province. In this study, recent domestic and international research in the fields of academic motivation, instructional design, educational psychology, and educational writing was systematically reviewed. The findings indicate that factors such as simple and fluent language, narrative-based presentation, the use of local examples, creative illustrations, interactive activities, and visual design aligned with students' developmental characteristics have a significant effect on increasing intrinsic motivation, cognitive engagement, and active student participation. The results also show that the gap between the attractive digital environment of children's daily lives and the traditional structure of many textbooks can lead to reduced motivation and academic disengagement. Therefore, redesigning educational content with a motivational approach and based on the needs of the new generation is an undeniable necessity in the educational system of Hamedan Province and other regions of the country.

Keywords: Educational Writing, Learning Motivation, Primary School Textbooks, Instructional Design, Active Learning, Primary Education, Hamedan Province.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]